

Designing Accounting Education Model at the Third and Fourth-Generation Universities¹

Mahsa Ghaffarian Ghadim², Gholamreza Kordestani³,
Rohollah Bayat⁴

Received: 2021/02/28
Accepted: 2021/04/24

Research Paper

Abstract

The complexity of the business world, as well as rapid changes in science and technology, have raised expectations from workforce and accountants. It seems necessary for universities in response to society and companies' new expectations to revise their accounting education program. This study's primary purpose is to design accounting education model in third and fourth-generation universities. For this purpose, during in-depth interviews with professors and experts in the field of accounting and higher education, research data were collected. The data were analyzed using the qualitative methodology of grounded theory. The results showed that accounting education is influenced by changes in the business environment, community expectations, university top management, and higher education policies. Reaching the third and fourth generation universities requires culture-building conditions, providing a social context, and granting financial and administrative independence to universities. Implementing the research model will lead to a review of accounting training programs. It would also help the interaction of academic accounting education with industry and society to improve entrepreneurship, sustainable growth, and community development.

Keyword: Accounting Education, Education Model, Third-and Fourth-Generation Universities.

JEL Classification: M41, I25.

1. DOI: 10.22051/JERA.2021.35226.2816

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. (Corresponding Author), (mahsaghafarian@gmail.com).

3. Professor, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. (kordestani@soc.ikiu.ac.ir).

4. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. (r.bayat@soc.ikiu.ac.ir).

ارائه الگوی آموزش حسابداری در دانشگاه

نسل سوم و چهارم^۱

مهسا غفاریان قدیم^۲، غلامرضا کردستانی^۳، روح‌اله بیات^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴

مقاله پژوهشی

چکیده

تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تغییرات سریع علم و فناوری، تحول محیط تجاری و پیچیدگی کسب و کارهای امروزی، انتظارات از نیروی کار و حسابداران را افزایش داده است. بنابراین در پاسخ به انتظارات جدید کسب و کارها و جامعه از دانشگاه، تجدید نظر در برنامه آموزش حسابداری ضروری به نظر می‌رسد. هدف اصلی پژوهش حاضر، طراحی الگوی آموزش حسابداری در دانشگاه نسل سوم و چهارم است. بدین منظور طی مصاحبه عمیق با اساتید و صاحب‌نظران حوزه حسابداری و خبرگان آموزش عالی داده‌های پژوهش گردآوری شده و با استفاده از روش‌شناسی کیفی نظریه زمینه‌بنیاد، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که پدیده محوری آموزش حسابداری تحت تاثیر تحولات محیط کسب و کار، انتظارات جامعه، مدیریت دانشگاه و سیاست‌های آموزش عالی قرار دارد و نیازمند ایجاد شرایط زمینه‌ای مانند فرهنگ‌سازی، فراهم آوردن بستر اجتماعی و اعطای استقلال مالی و اجرایی به دانشگاه‌ها است و می‌تواند با اتخاذ راهبردهایی در خصوص ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش، توسعه ارتباطات بین‌المللی، ایجاد تحول در شیوه جذب و انگیزش دانشجویان و تحول در نظام کنترلی دانشگاه به پیامدهایی مانند کارآفرینی و رشد و توسعه فردی و در سطح کلان توسعه پایدار جامعه دست یافت. همچنین خروجی و دستاورد پیاده‌سازی الگوی پژوهش، می‌تواند به طور خاص برای بازنگری برنامه‌های آموزش حسابداری و نیز به طور عام بر نحوه تعامل دانشگاه و رشته حسابداری با صنعت و جامعه در جهت بهبود کارآفرینی و نیز رشد و توسعه پایدار جامعه کمک نماید.

واژه‌های کلیدی: آموزش حسابداری، الگوی آموزش، دانشگاه نسل سوم و چهارم.

طبقه‌بندی موضوعی: J25، M41.

10.22051/JERA.2021.35226.2816 :DOI

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول). (mahsaghafarian@gmail.com)

۲. استاد، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. (kordestani@soc.ikiu.ac.ir)

۳. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. (r.bayat@soc.ikiu.ac.ir)

۴. https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

یکی از رسالت‌های مهم دانشگاه‌ها پرورش نیروی انسانی کارآمد برای جامعه و صنعت است. برای توسعه جامعه باید از آموزش عالی رشته‌های علمی آغاز کرد و حد اعلای این آموزش از طریق دانشگاه‌ها منتقل می‌شود. در سال‌های اخیر، با رشد و توسعه فناوری و افزایش روند جهانی شدن، انتظارات کارفرمایان، حرفه و جامعه از آموزش دانشگاهی رشته حسابداری و نیز دانش‌آموختگان آن تغییر کرده است (اکنیل^۱ و همکاران، ۲۰۱۵: ۹۶). چنین تغییراتی ایجاب می‌کند که دانش‌آموختگان رشته حسابداری از دانش و مهارت کافی برای پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر جامعه برخوردار باشند (دهقان‌دهنوی، معین‌الدین و صبا، ۱۳۹۱: ۱۰۶). از این رو آموزش حسابداری در بستر توسعه پایدار جامعه و از جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی مطرح شده (موسا و^۲، ۲۰۱۹: ۴۷۴) و توجهات در آموزش عالی این رشته به آموزش‌هایی فراتر از آموزه‌های سنتی از قبیل آموزش مهارت‌های نرم مانند تفکر انتقادی، ارتباطات، اخلاق و ارزش‌های حرفه‌ای معطوف شده است (گیتینگز، تاپلین و کِر^۳، ۲۰۲۰: ۱) در نتیجه بواسطه چنین آموزه‌هایی دانش‌آموختگان حسابداری با پاسخگویی به نیازهای صنعت و جامعه به شهروندانی تمام عیار و جامعه‌پذیر تبدیل شده که بر رشد و توسعه جامعه تأثیرگذارند (کاوانگ^۴ و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۷۹).

علی‌رغم پیشرفت‌های اخیر بین‌المللی حوزه آموزش حسابداری، بسیاری از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان این رشته در کشور فاقد مهارت‌ها و دانش لازم برای ورود به بازار کار و ایفای نقش موثر در جامعه هستند و دانشگاه‌ها با ارائه سرفصل‌هایی که صرفاً تئوری بوده، به قدر کفایت بر مهارت‌های حرفه‌ای و کاربردی دانشجویان صحه نگذاشته‌اند (دیانتی‌دیلیمی و پاکزاد، ۱۳۹۶؛ صالحی، نصیرزاده، و رستمی، ۱۳۹۳؛ مجتهدزاده، ۱۳۸۰؛ نایب‌زاده، حیرانی، سلطانی‌نژاد و نجاتی، ۱۳۹۱).

از آنجا که حسابداری دانشی است که در تمامی سطوح خرد و کلان جامعه کاربرد دارد تغییر نحوه آموزش دانشجویان حسابداری با اهمیت بوده و بخش مهمی از اصلاحات جامعه محسوب می‌شود (لی و ما^۵، ۲۰۱۹: ۱۷). براین اساس دانشگاه‌های کشور در رشته حسابداری، نیازمند ایجاد

1. O'Connell
2. Musove
3. Gittings, Taplin and Kerr
4. Kavanagh
5. Li and Ma.

تحول و تغییرات اساسی در آموزش این رشته هستند. بنابراین ضروری است برای همسویی با پیشرفت‌های جهانی و با مدنظر قرار دادن سیاست‌های کلان اقتصادی و برنامه‌های توسعه ایران، برای حوزه حسابداری برنامه‌ریزی صورت گیرد (باباجانی، قربانی‌زاده و خنکا، ۱۳۹۹: ۷۹). تا دانشگاه‌های کشور از نسل اول و دوم که تمرکز اصلی آن‌ها بر آموزش و پژوهش صرف بوده فراتر رفته و به سوی نسل سوم و چهارم دانشگاهی با محوریت مهارت‌آفرینی، نوآوری، جامعه محوری و توسعه حرکت نمایند. در این دو نسل، علاوه بر آموزش و پژوهش بر توسعه مرزهای علم و دانش، ارتباط با صنعت و بازار کار، مهارت‌افزایی و ترویج خلاقیت، پاسخگویی و مسوولیت اجتماعی توجه ویژه‌ای می‌شود. از این رو، هدف پژوهش حاضر، ارائه الگوی آموزش حسابداری مبتنی بر مهارت‌آفرینی (دانشگاه نسل سوم) و جامعه محوری و توسعه (دانشگاه نسل چهارم) است.

امروزه با توسعه فعالیت‌های تجاری و پیچیده تر شدن روابط مالی نیاز به حسابداران خبره و آموزش دیده بسیار بیشتر از گذشته احساس می‌شود. گسترش روابط بین‌المللی و پیچیده شدن مسائل مالی، در ایران نیز منجر به توجه ویژه مسئولین گشته به گونه‌ای که برای فائق آمدن بر این تحولات عظیم علاوه بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی بر ابعاد زمینه‌ای مانند آموزش تأکید فراوان شده به نحوی که توسعه دانش بنیان کشور در راس امور قرار گرفته و در میان محورهای اصلی چشم‌انداز ۲۰ ساله و برنامه ششم توسعه کشور مشاهده می‌شود. با توجه به اینکه نظام آموزشی حسابداری در هر کشوری باید مبتنی بر نیازهای بومی و منطقه‌ای همان کشور تدوین شود (نونهال‌نهر، محمدزاده سالطه و حمدالهی، ۱۳۹۳: ۱۹۲)؛

تغییرات در سازمان‌ها، مشاغل، روابط حرفه‌ای و ... سبب شده افراد مهارت‌های متفاوتی را برای ایفای نقش در جامعه فراگیرند. این امر در مورد رشته حسابداری نیز صادق است، نقش حسابدار نباید صرفاً به‌عنوان یک فرد ابزاری و تکنیکی در نظر گرفته شود و بلکه باید به‌عنوان یک نیروی انسانی خلاق و ماهر که قادر است با تغییرات روز خود را وفق دهد مورد توجه قرار گرفته و بر این اساس تحت آموزش‌های نوین مهارت محور متناسب با نیاز بازار و جامعه قرار گیرد. ازین رو ضروری به نظر می‌رسد که دانشگاه‌های کشور با ایجاد تحول و تغییرات اساسی در آموزش‌های خود تجدید نظر کرده و برنامه‌های آموزشی را به گونه‌ای به‌روز نمایند تا بتوانند همگام با تغییرات در سایر حوزه‌های جامعه خود را تطبیق دهند و پیشران توسعه پایدار جامعه گردند. بر این اساس سوال اصلی پژوهش چنین مطرح می‌شود که چگونه می‌توان به نظام

آموزش حسابداری دانشگاهی مبتنی بر مهارت‌آفرینی و جامعه محوری دست یافت، در این راستا الزامات این مهم چیست و چه اقداماتی باید انجام داد، پیاده‌سازی آن، چه دستاوردها و پیامدهایی خواهد داشت. با توجه به پژوهش‌هایی که تا کنون انجام شده است، از آنجایی که مطالعات داخلی و خارجی در حوزه آموزش حسابداری عمدتاً به صورت تک بُعدی و با نگاهی محدود، تنها به برخی از مشکلات موجود در حوزه آموزش حسابداری پرداخته‌اند، پژوهش حاضر از جنبه‌های زیر دارای نوآوری و دانش‌افزایی است: ۱. معرفی الگوی جامع آموزش حسابداری برای پاسخگویی به نیازهای روز جامعه که به تبع آن رفاه اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و بطور کلی توسعه پایدار جامعه را به همراه خواهد داشت؛ ۲. الزامات تحول نظام آموزشی در رشته حسابداری را معرفی می‌کند؛ و ۳. در تدوین سیاست‌های آموزش عالی رشته حسابداری در کشور متمرثر واقع خواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حسابداری به‌عنوان یک حرفه تاثیرگذار بر محیط، نقش مهمی در توسعه اقتصادی جوامع دارد (هلمایونیتا^۱ و همکاران، ۲۰۱۹: ۵۴۳). تغییرات هر دوره‌ای از تاریخ بر روی کلیه علوم تأثیری ولو کوچک برجای نهاده است. شکی نیست، دانش حسابداری نیز در هر دوره‌ای دستخوش تغییراتی شده است. در عصری که تغییرات جهانی با شتاب چشمگیری در حال وقوع است، تغییر در رشته حسابداری نیز اجتناب‌ناپذیر بوده و باید این رشته بتواند خود را همسو و همگام با سایر حوزه‌های علم و توجه به تغییرات دنیای معاصر تغییر و تطبیق دهد. تا جایی که برخی معتقدند که محتوای دروس را نه دانشگاه بلکه سلیقه بازار کار باید مشخص کند (جامعی، ۱۳۹۷: ۲۲۰). با توجه به وقوع تحولات اقتصادی کشور، چنین به نظر می‌رسد که نحوه پذیرش دانشجو در این رشته و همچنین نظام آموزشی حسابداری دچار نارسایی‌های بنیادی است و وضعیت این رشته در ایران مطلوب نیست و بین آموزش‌های درون رشته‌ای و انتظارات جامعه از رفتار دانش‌آموختگان دانشگاهی این رشته شکاف بزرگی وجود دارد. علی‌رغم نیاز بازار به متخصصان حرفه‌ای حسابداری، فارغ‌التحصیلان این رشته از مهارت کافی برخوردار نیستند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۸) بطور مثال از مشکلات آموزش حسابداری، محدودیت‌های مهارتی دانشجویان است (پرویز، مفتی و گال^۲، ۲۰۱۷: ۸۴). همچنین علاوه بر به روز نبودن

1. Helmayunita

2. Parviz, Mufit and Gul

برنامه‌های درسی رشته حسابداری در دانشگاه‌های ایران، به منظور فراگیری هرچه بهتر مطالب درسی دانشجویان نیاز دارند تا در کنار مباحث نظری به صورت عملی نیز با حرفه حسابداری آشنا شوند و واحدهای عملی، کارآموزی و استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی در سرفصل دروس حسابداری گنجانده شود. با توجه موارد مطرح شده متأسفانه دانشگاه‌های کشور نتوانسته‌اند خود را با نیاز بازار کار هماهنگ کنند (غلامی، آراسته، نوه‌ابراهیم و زین‌آبادی، ۱۳۹۷: ۳۱). ازین رو دانشجویان حسابداری باید تحت آموزش‌های نوین قرار گیرند تا مهارت‌های لازم برای ایفای نقش فعال در جامعه را داشته باشند (مشایخی و شفیع پور، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

دانشگاه به عنوان نهادی محوری در جامعه، می‌تواند با ایجاد نوآوری و خلاقیت و تربیت نیروی کارآمد به توسعه و ارتقای سطح اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور کمک نماید. در نتیجه نقش دانشگاه‌ها به عنوان عالی‌ترین مرجع آموزشی، پر اهمیت می‌شود. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که دانشگاه‌ها در شیوه‌های آموزشی خود تجدید نظر نموده و با ارائه مهارت‌های نرم (مهارت‌های عمومی) در کنار مهارت‌های سخت (مهارت‌های کاربردی و فنی)، دانشجویان حسابداری را با پیشرفت‌های جامعه به روز نمایند که این خود منجر به خلق ارزش‌های پایدار برای جامعه و اقتصاد خواهد شد (کرناسکا، ۲۰۲۰: ۳۴).

آموزش حسابداری در نسل اول و دوم دانشگاهی: سیر تحول دانشگاه‌ها در سراسر جهان، حاکی از این امر است که رسالت حرفه‌ای دانشگاه‌ها تغییر و تکامل یافته است. ابتدایی‌ترین نسل دانشگاهی که با عنوان نسل اول شناخته می‌شود، دانشگاه‌هایی آموزش محور هستند.

رسالت و مأموریت این نسل در رشته حسابداری، آموزش دانشجویان این رشته و آماده کردن آنان برای ورود به بازار کار حسابداری بوده و عمدتاً فارغ‌التحصیلان خروجی این نسل حسابداران و مدیران حرفه‌ای هستند. نسل اول دانشگاه‌های ایران حدوداً تا دهه اول انقلاب اسلامی و دوره‌های پس از آن ادامه داشت و به نام دانشگاه‌های آموزش محور یا دانشگاه‌های آموزشی شناخته می‌شود (نوروزی، ترکمان و زاهدی، ۱۳۹۷: ۵۷). مهم‌ترین کارکرد دانشگاه نسل اول که نسل‌های بعدی نیز به آن پایبندند، توجه ویژه به کارکرد آموزشی است، با این وجود این امر تا حدود زیادی مغفول بوده است (غلامی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۱).

در دهه‌های اخیر با توجه به پیچیده شدن مسائل اقتصادی، فعالیت‌های مالی و حسابداری گسترش یافتند. در این فضا دیگر تنها آموزش‌های نسل اول دانشگاهی پاسخگوی رشد سریع

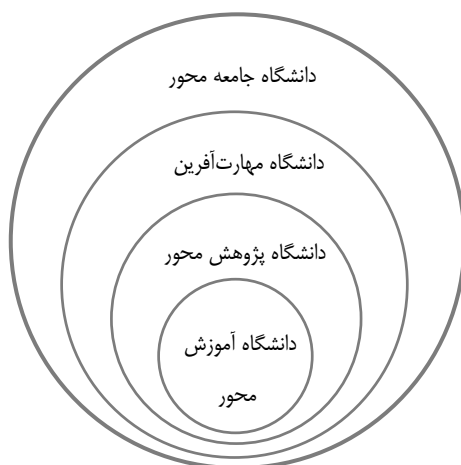
اقتصادی نبود. در نتیجه برای پاسخگویی به این تحولات، آموزش حسابداری با نیازهای صنعت باید همسو می‌گشت، ازین رو روابط بین صنعت و دانشگاه به طور فزاینده‌ای گسترش یافت و نسل جدیدی از دانشگاه به وجود آمد. در نسل دوم دانشگاهی در رشته حسابداری گرایش اغلب استادان به پژوهش‌های مرتبط با صنعت و حرفه بوده و هدف اصلی ایجاد ارتباط بین آموزه‌های حسابداری و صنعت و حل مشکلات حسابداری و مالی است. به طور کلی در این نسل فرایندهای آموزشی به عنوان انشعاب و شاخه‌ای از پژوهش علمی تعریف می‌شوند که دانشجویان را برای انجام کار پژوهشی مستقل در حوزه معینی از علم آماده می‌کند (مهدی و شفیع، ۱۳۹۶: ۲).

آموزش حسابداری در نسل سوم و چهارم دانشگاهی: در سال‌های اخیر دانشگاه‌ها در سطح بین‌الملل وارد مرحله جدیدی فراتر از آموزش و پژوهش شدند که به آن نسل سوم دانشگاهی گفته می‌شود. در این نسل علاوه بر آموزش و پژوهش بر توسعه مرزهای علم و دانش، ارتباط با صنعت و بازار کار توجه می‌شود (بیکنل، فرانسیس و آرتور^۱، ۲۰۱۰: ۴۸۷). آموزش حسابداری در این نسل به گونه‌ای است که فارغ‌التحصیلان خروجی این رشته کارآفرینانی ماهر خواهند بود که به دنبال استخدام شدن در سایر شرکت‌ها نیستند بلکه به واسطه مهارت‌هایی که در دانشگاه به آنان آموزش داده شده است خود به عنوان یک کارآفرین اقدام به اشتغال‌زایی و خلق ارزش در جامعه می‌کنند. در واقع دانشگاه نسل سوم یا کارآفرین، تکامل یافته نسل‌های قبلی است. در این نسل همانطور که علم و تحقیق و پژوهش در حسابداری همچنان به عنوان یک اصل مورد توجه قرار می‌گیرد با مهارت‌افزایی و ترویج خلاقیت و نگرش‌های نوین بین رشته‌ای توجه خاصی به کاربردی کردن این علم و بهره‌گیری از فناوری‌های جدید در حرفه حسابداری می‌شود. در واقع دانشگاه کارآفرین با ایجاد خلاقیت و روش‌های نوین تفکر هوشمندانه می‌تواند به نیازهای رو به رشد جوامع به سرعت واکنش نشان داده و با تغییرات محیط منطبق شود (دیکسون^۱ و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۴۰). باید گفت در کشورهای در حال توسعه مانند ایران به علت وجود شکاف بین دانش و بازار کار، باید توجه بیشتری به توسعه آموزش حسابداری در دانشگاه‌های نسل سوم و خروجی آن یعنی فارغ‌التحصیلان حسابداری نوآور و مهارت‌آفرین داشت.

بعد از عبور از نسل سوم دانشگاهی، آموزش عالی در سطح بین‌الملل در حال تجربه نسل جدیدی از تغییرات در ساختار، چشم‌انداز و ماموریت دانشگاه است. از این رو نسل جدیدی از

1. Bicknell, Francis and Arthur

دانشگاه متولد می‌شود که ویژگی ذاتی آنان ارتقای محیط پیرامون و خالق توسعه محلی و منطقه‌ای است. دانشگاه نسل چهارم الگوی مدیریتی نوینی را برای توسعه فراهم می‌آورد و مهمترین تفاوت این دانشگاه‌ها در رویکرد استراتژیک آنهاست که می‌توانند محیط پیرامون خود را به‌طور فعال شکل دهند و فرصت‌ساز توسعه محلی و منطقه‌ای می‌باشند (زوتی، لوکویکز و کوپر، ۲۰۱۵: ۱۴). آموزش حسابداری در دانشگاه نسل چهارم به‌گونه‌ای است که علاوه بر توجه به ویژگی‌های سه نسل پیشین (آموزش، پژوهش، ارتباط با صنعت و بازار کار) اساتید، دانشجویان، فارغ‌التحصیلان دانشگاه مسئولیت‌پذیری اجتماعی را سرلوحه قرار داده و پاسخگویی محیط و جامعه هستند. آموزش حسابداری در این نسل می‌تواند اهرمی قوی برای توسعه باشد به صورتی است که با ایجاد محیطی پویا و یادگیرنده اساتید و دانشجویان این حرفه می‌توانند به سرعت با تغییرات محیط منطبق شده و با حس پاسخگویی قوی که در مقابل جامعه دارند تضمین‌گر رشد و توسعه همه‌جانبه جامعه در سطوح مختلف فردی، اجتماعی و اقتصادی باشند. در نمودار زیر نسل‌های دانشگاهی در قالب منظومه‌ای که نشان‌دهنده همپوشانی و تکامل این نسل‌هاست ارائه شده است.



نمودار ۱. منظومه تکاملی نسل‌های دانشگاهی

در زمینه کارکردهای دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم و انتظارات جامعه از دانشجویان حسابداری به یافته‌های برخی از پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

انتظار جامعه از دانشگاه نسل چهارم این است که به نیازهای جامعه پاسخ داده شود. در این زمینه خوش نژاد و همکاران (۱۴۰۱) بیان می‌دارد، ارائه خدمات مناسب با نیازهای جامعه، کارآفرینی، پژوهش و مسئولیت اجتماعی مولفه‌های اصلی دانشگاه نسل چهارم هستند. رسالت دانشگاه نسل چهارم با اهداف جامعه همسویی دارد و ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت برقرار است و دانشگاه نیازهای ذی‌نفعان کلیدی‌اش را پاسخ می‌دهد. مطالعات انجام شده در حوزه کارکردهای دانشگاه نسل سوم تاکید بر این دارند که دانشگاه‌های برتر در حوزه کارآفرینی توجه به یادگیری مادام‌العمر، آموزش عملی، طراحی کسب و کار، ایجاد مدل ذهنی کارآفرینانه، استفاده از سخنران میهمان و کارورز، پرورش شخصیت دانشجویان، و بکارگیری رویکرد تجربی در آموزش کارآفرینی دارند و آموزش با رویکرد کارآفرینی در دانشگاه نهادینه شده است. در این دانشگاه‌ها مشارکت دانشجویان و استادان در برنامه‌های کارآفرینی بالاست و شبکه‌های ارتباطی موثری برای ارتباط با خارج از مرزهای دانشگاه توسعه یافته است (عزیزی و عزیزی، ۱۳۹۵).

دیانتی (۱۴۰۲) در زمینه بالندگی حسابداری در ایران به راهکارهایی از جمله بازنگری در شیوه سرفصل نویسی، آموزش مستمر و بروز رسانی دانش و توانمندی استادان و شاغلین حرفه و حفظ شان و منزلت آنها، تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی و همکاری‌های میان رشته‌ای و درون رشته‌ای، تقویت روزافزون ارتباط با صنعت، جذب دانشجویان شایسته و افراد با صلاحیت در دانشگاه و حرفه، تقویت ارتباط بین‌المللی، ارتقای شیوه آموزش و ارزیابی دانشجویان و رتبه‌بندی سالانه گروه‌های حسابداری اشاره می‌کند. تارین و گیزل^۱ (۲۰۲۳) بیان می‌دارند که دانشگاه باید دانشجویان حسابداری را برای پذیرش مسئولیت راهبری آماده نمایند و داشتن شایستگی قبول مسئولیت راهبری یکی از انتظارات جامعه از دانشگاه است. بنابراین در سیلابس دروس حسابداری باید این آموزش‌ها در نظر گرفته شود. آنها ایفای نقش کاتالیزور، مجهز شدن دانشجویان به ابزارها (نظیر خودشناسی، برقراری ارتباط با دیگران، تصمیم‌گیری، شناخت محیط کسب و کار، مدیریت تغییر و نوآوری)، داشتن دیدگاه وسیع، بازخورد و ارزیابی، پرورش تاثیرگذاری و یادگیری مادام‌العمر را به عنوان ویژگی‌های لازم برای داشتن شایستگی پذیرش مسئولیت راهبری توسط دانشجویان حسابداری معرفی کردند. در زمینه آماده کردن دانشجویان حسابداری برای محیط کار در کشورهای در حال توسعه عبدالغزیز و همکاران (۲۰۲۲) بیان

1. Taryn and Gizelle

می‌دارند در کشورهای منطقه منا^۱ (خاور میانه و شمال آفریقا) مسائلی که توانایی برنامه‌های آموزش حسابداری برای آماده کردن دانشجویان برای محیط کار را محدود می‌کند شامل فقدان تجربیات عملی دانشکده‌ها، ارتباط ضعیف با حرفه، برنامه آموزشی سنتی، استاد محور بودن آموزش، شیوه‌های سنتی ارزیابی، تعداد و کیفیت دانشجویان، محدود بودن و بروز نبودن منابع درسی و ضعف زیرساخت‌های فیزیکی است. توجه به این مسائل می‌تواند شکاف بین آنچه در دانشگاه آموزش داده می‌شود و آنچه حرفه به آن نیاز دارد را کاهش دهد.

در ادبیات پژوهش به ویژگی‌های دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم اشاره شده و انتظارات محیط کار و ذی‌نفعان از دانشجویان رشته حسابداری شناسایی شده است. وجه تمایز این پژوهش این است که قصد دارد نشان دهد آموزش حسابداری در یک دانشگاه کار آفرین و جامعه محور مستلزم توسعه چه زیرساخت‌هایی است و با چه راهبردهایی می‌توان به این هدف دست یافت.

پرسش پژوهش

از آنجا که بررسی و مرور پیشینه پژوهش حکایت از خلا الگوهای موجود در تبیین بستر، شرایط پیاده‌سازی، شناسایی راهبردها و پیامدهای آموزش حسابداری در دانشگاه مهارت‌آفرین و جامعه محور دارد، پرسش اصلی پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شود:

عوامل تشکیل‌دهنده الگوی جامع آموزش حسابداری در دانشگاه نسل سوم و چهارم در ایران چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

به منظور پاسخ به پرسش اصلی پژوهش از روش کیفی مبتنی بر نظریه زمینه بنیاد استفاده شده است. نظریه زمینه بنیاد با کثرت و تنوع همزاد است و تا کنون پنج نسخه پرکاربرد از این نظریه شناخته شده است: ۱. نسخه کلاسیک یا ظاهرشونده که نماینده برجسته آن گلیسر است؛ ۲. نسخه سیستماتیک یا نظام‌مند که با اثر استراوس و کوربین شناخته می‌شود؛ ۳. نسخه ساخت‌گرایانه که نماینده برجسته آن چارمز است؛ ۴. نسخه تحلیل موقعیت مربوط به اثر کلارک؛ و ۵. نسخه تحلیل ابعاد که توسط شاتزمن توسعه یافته است (فراستخواه، ۱۳۹۸: ۹۵). در این پژوهش از نسخه سیستماتیک یا نظام‌مند استفاده شده است. در این نسخه، نظریه زمینه بنیاد به صورت سیستماتیک به کار گرفته می‌شود و پژوهشگر با روش مشخص و به صورت مرحله‌ای کدگذاری را انجام می‌دهد.

1. Middle East and North Africa (MENA)

به منظور پاسخ به پرسش‌های پژوهش، از مصاحبه‌ی عمیق به عنوان ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل اساتید و صاحب‌نظران حوزه حسابداری و خبرگان آموزش عالی در سال ۱۳۹۹ است. برای انتخاب نمونه، از روش آگاهانه و غیراحتمالی "گلوله برفی" استفاده شد. در این روش نمونه‌گیری به شکل تدریجی تا مرحله اشباع ادامه می‌یابد. از آنجایی که پژوهش حاضر در دوران کرونا انجام شده است بدلیل عدم امکان مراجعه حضوری، تمامی مصاحبه‌ها به صورت تلفنی انجام شد و با کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان تمامی مکالمات ضبط و مستند گردید و پس از انجام سیزده مصاحبه با خبرگان دانشگاهی و حرفه‌ای، به شرح جدول ۱، داده‌های پژوهش به اشباع نظری رسید.

جدول ۱. خلاصه مشخصات مصاحبه‌شوندگان

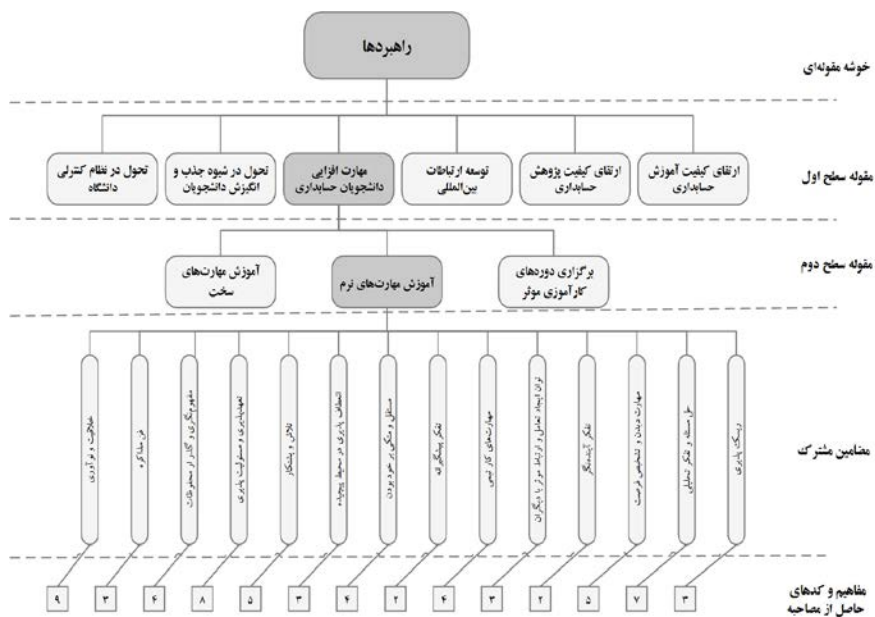
نام دانشگاه / محل خدمت مصاحبه‌شونده	مرتبه علمی مصاحبه‌شونده	تعداد نفرات
دانشگاه تربیت مدرس	استاد تمام	۱
دانشگاه شیراز	استاد تمام	۱
دانشگاه علامه طباطبائی	استاد تمام	۱
دانشگاه بین المللی امام خمینی	دانشیار	۱
دانشگاه تهران	دانشیار	۱
دانشگاه خوارزمی	دانشیار	۱
دانشگاه فردوسی مشهد	دانشیار	۳
دانشگاه صنعتی شریف	استادیار	۱
دانشگاه بین المللی امام خمینی	استادیار	۱
دانشگاه آزاد اسلامی	استادیار	۱
وزارت علوم و تحقیقات	مشاور معاون آموزشی	۱

تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه در روش نظریه زمینه‌بنیاد با کدگذاری باز آغاز گردید، و بعد از کدگذاری محوری در مرحله کدگذاری انتخابی الگوی اصلی پژوهش استخراج شد. به منظور کدگذاری باز، پس از انجام هر مصاحبه، محتوای مصاحبه در قالب گزاره‌های دقیق و صریح مستندسازی شده و سپس گزاره‌ها با توجه به مضامین و مفاهیم آن‌ها مقوله‌ای شدند. سپس در مرحله کدگذاری محوری، با تقلیل، تلخیص کدها ارتباط میان معانی و مفاهیم کشف شد. آخرین مرحله کدگذاری انتخابی، در واقع همان مرحله پیدایی نظریه است؛ این مرحله جدا از مراحل قبلی (کدگذاری باز و محوری) نیست بلکه پژوهشگر گام به گام مفهوم‌سازی و مقوله‌ای کردن، به ویژه هنگام تشکیل خوشه‌ها و با تکمیل داده‌ها به صورت تجمعی در حال کشف پدیده بوده و در نهایت

با رسیدن به اشباع داده‌ها، نظریه‌ای درباره موقعیت مورد تحقیق را می‌پروراند و این مرحله در تعبیر استراوس و کوربین رسیدن به یک الگوی پارادایمی است (فراستخواه، ۱۳۹۸: ۱۸۷).

یافته‌های پژوهش

به منظور پاسخ به پرسش‌های پژوهش، داده‌های مورد نیاز از طریق مصاحبه جمع‌آوری شد. سپس داده‌های گردآوری شده از سطح اولیه (مفاهیم تشریحی) تا سطح مقوله خوشه‌ای در پنج طبقه تجزیه و تحلیل شدند؛ محقق به منظور افزایش دقت و قابلیت اتکای بخش آماری پژوهش، از نرم‌افزار مکس کیو دی ای برای سامان‌دهی انبوه داده‌های کیفی استفاده نمود. براین اساس، داده‌های گردآوری شده به صورت مرحله به مرحله پس از انجام هر مصاحبه ابتدا از طریق کدگذاری باز (شناسایی واحدهای متنی و برجسب‌زنی مفهومی) وارد نرم‌افزار گردیده سپس از طریق کدگذاری محوری (تقلیل، تلخیص و کشف ارتباط میان معانی و مفاهیم) به صورت نمودار درختی و سطح به سطح، محورهای اصلی شناسایی شده و در پایان با کدگذاری انتخابی (مرحله ظهور نظریه) الگوی پارادایمی پژوهش ارائه شد. در نمودار ۲، نمودار درختی نمونه‌ای از کدهای استخراجی مصاحبه‌ها ارائه شده است.



نمودار ۲. طبقات مختلف کدگذاری پژوهش

کدگذاری باز: در اولین گام از کدگذاری باز، ۶۷۸ کد با استفاده از نرم افزار شناسایی شدند. سپس در مرحله بعدی کدگذاری باز، با تحلیل مقایسه‌ای مداوم کدها، مضامین مشابه و مشترک شناسایی و در قالب یک مفهوم ادغام شدند. در این مرحله به صورت پیوسته، ضمن مراجعه به کدهای شناسایی شده از متن اولیه مصاحبه‌ها به صورت مداوم مفاهیم و کدهای مشابه با یکدیگر مقایسه گردیده و با طبقه‌بندی و مرتب کردن مفاهیم مشترک در قالب یک مضمون مشترک، تعداد ۶۷۸ کد اولیه شناسایی شده به ۱۷۶ مضمون مشترک طبقه‌بندی شدند. برای مثال در نقل قول زیر، بخشی از مصاحبه صورت گرفته با یکی از خبرگان در خصوص شرایط و زیرساخت لازم در جهت حرکت به سمت آموزش حسابداری در دانشگاه نسل ۳ و ۴ ارائه شده است:

"..... [دانشگاه باید تحول زا باشد در صنعت] و باید به [دغدغه‌ها و خواسته‌های جامعه‌اش توجه داشته باشد] و [با جامعه ارتباط داشته باشد] و [بداند جامعه چه خواسته‌ای دارد] و به جای یک آموزش محض و تئوریک، [پاسخگویی آن نیازها باشد] و [بتواند آن دانشی را که در دانشگاه انباشته شده را به صورت کاربردی در آورده و از آن‌ها استفاده کند]. اما الزاماتی وجود دارد: اول از همه [باور به این اتفاق است]. ما هنوز باور به این موضوع نداریم و به شکل شعاری می‌گوئیم که [ارتباط صنعت و دانشگاه] و [اینکه دانشگاه بتواند پاسخ بدهد به نیازهایی که صنعت برایش تعریف میکند] در واقع [خروجی پایان نامه‌ها غیر کاربردی هستند]..... مورد دوم، دانشگاه نسل ۳ یکی از ویژگی‌هایش این است که [وابسته به حمایت دولتی نباشد]..... بنابراین همچنان دانشگاه‌های ما در حال حاضر نگاه به دولت دارند [جدا از آنکه هنوز باور آن را نداریم] برخی از الزامات از جمله [استقلال مالی و حمایت از دانشگاه از طریق منابع غیردولتی] را هم همچنان نداریم. مورد سوم، ویژگی دیگر این است که [مدیریت این دانشگاه‌ها باید حرفه‌ای باشد]..... مورد چهارم، دانشگاه‌ها باید [ایفای نقش در عرصه خارج از کشور و ارتباط با دانشگاه‌های برون مرزی] را هم داشته باشند.....".

با بررسی نقل قول بالا و با عنوان‌بندی و برچسب مفهومی زدن به برخی جملات مصاحبه تعداد ۱۵ کد به شرح ذیل شناسایی شدند: «۱- تحول‌زا بودن دانشگاه در صنعت»؛ «۲- پاسخگویی دانشگاه به نیازها و دغدغه‌های جامعه»؛ «۳- تعامل تنگاتنگ دانشگاه و جامعه»؛ «۴- ارتباط دانشگاه با جامعه و درک نیازهای آن»؛ «۵- پاسخگویی دانشگاه به نیازها و دغدغه‌های جامعه»؛ «۶- تبدیل واقعی علم به عمل»؛ «۷- نیاز به تغییر باورها»؛ «۸- ارتباط صنعت و دانشگاه»؛ «۹- پاسخگویی دانشگاه به نیازها و دغدغه‌های جامعه»؛ «۱۰- پژوهش‌های مرتبط با صنعت»؛

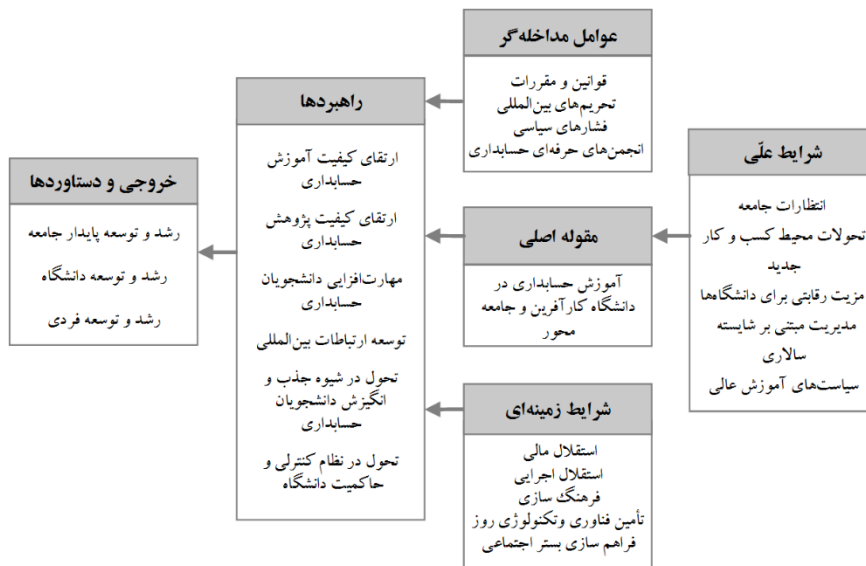
«۱۱- عدم وابستگی به دولت»؛ «۱۲- نیاز به تغییر باورها»؛ «۱۳- استقلال مالی و حمایت منابع غیردولتی از دانشگاه»؛ «۱۴- مدیریت حرفه‌ای دانشگاه»؛ «۱۵- توسعه تعاملات با دانشگاه‌های برون مرزی». لازم به ذکر است مفاهیم اشاره شده محدود به نقل قول فوق نمی‌باشند و در سایر مصاحبه‌ها نیز موارد مشابه وجود داشته و در فرآیند عنوان‌بندی، برجسب‌های مفهومی فوق بر آن‌ها نیز تعلق گرفته است. با بررسی و مقایسه دقیق‌تر پنج کد به شماره‌های ۱، ۳، ۴، ۸ و ۱۰ را می‌توان در سطح انتزاعی بالاتری مفهوم‌سازی کرد و مفهوم "ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت" را به این مفاهیم اختصاص داد. همچنین برای کدهای شماره ۲، ۵ و ۹ در سطح انتزاعی بالاتر مفهوم "پاسخگویی به نیازهای جامعه" به این کدها اختصاص یافت و برای کدهای شماره ۱۱ و ۱۳ در سطح انتزاعی بالاتر مفهوم "استقلال مالی دانشگاه" در نظر گرفته شد و به کدهای شماره ۷ و ۱۲ مفهوم "فرهنگ‌سازی" تعلق یافت. همچنین برای کدهای شماره ۱۴ و ۱۵ در سطح انتزاعی بالاتر به ترتیب مفاهیم مدیریت مبتنی بر شایسته‌سالاری و توسعه ارتباطات بین‌المللی را می‌توان مفهوم‌سازی کرد. به این ترتیب از ۱۵ کد فوق، ۶ مفهوم در مرحله اول کدگذاری باز استخراج گردید. در مصاحبه‌های دیگر نیز به همین ترتیب کدگذاری انجام شده و براساس وجوه اشتراک بین کدها، مفاهیم دسته‌بندی شدند.

کدگذاری محوری: بین دو مرحله کدگذاری باز و محوری هیچ مرز مشخصی وجود ندارد و این دو مرحله به صورت رفت و برگشتی و تکوینی به وجود آمده و بسط پیدا کردند. در مرحله کدگذاری محوری، تعداد ۷۵ مقوله سطح دوم و سپس در سطح بالاتر آن، ۲۵ مقوله سطح اول در شش مقوله خوشه‌ای به شرح ۱- شرایط علی، ۲- مقوله اصلی (محوری)، ۳- شرایط زمینه (بستر)، ۴- عوامل مداخله‌گر، ۵- راهبردها، ۶- خروجی و دستاورد (پیامدها) شناسایی شدند. در جدول ۲، خلاصه کدها و مفاهیم پژوهش در شش مقوله اصلی ارائه شده است.

جدول ۲. خلاصه مفاهیم، مضامین و مقوله‌های استخراج شده

خوشه مقوله‌ای	مقوله سطح اول	مقوله سطح دوم	مضامین مشترک چند مفهوم	مفاهیم مستخرج شده
مقوله اصلی	۲	۴	۷	۲۸
راهبرد	۶	۲۱	۶۶	۲۸۱
شرایط علی	۵	۱۵	۳۰	۱۰۶
شرایط زمینه‌ای	۵	۱۶	۳۶	۱۳۵
مداخله‌گر	۴	۹	۱۳	۴۰
پیامدها	۳	۱۰	۲۴	۸۸
جمع کل	۲۵	۷۵	۱۷۶	۶۷۸

نگنجد. بنابراین با کدگذاری انتخابی به عنوان آخرین مرحله مفهوم‌سازی و انتزاع، پژوهشگر به تدوین الگوی جامع آموزش حسابداری در دانشگاه نسل سوم و چهارم پرداخت. در نمودار شماره ۴، مدل پارادایمی پژوهش ارائه شده است.



نمودار ۴. الگوی جامع آموزش حسابداری در دانشگاه نسل سوم و چهارم

بحث و نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش، حکایت از فاصله زیاد آموزش عالی حسابداری در کشور تا شکل‌گیری این رشته در دانشگاه نسل سوم و چهارم دارد. از این‌رو برای رسیدن به آموزش حسابداری مبتنی بر ارزش‌آفرینی و جامعه‌محوری، سیاست‌گذاران آموزش عالی باید به نیازها، دغدغه‌ها و خواسته‌های جامعه از این رشته توجه ویژه داشته باشند. دانشگاه باید بدانند جامعه چه مطالبه و انتظاری از رشته حسابداری دارد و به جای یک آموزش و پژوهش صرف، پاسخگویی آن نیازها باشد تا بتواند دانشی را که در طول سالیان متمادی در دانشگاه انباشته شده را کاربردی نماید.

برای رسیدن به آموزش حسابداری مبتنی بر ارزش‌آفرینی و توسعه پایدار الزاماتی وجود دارد. ابتدا، باور به دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم در رشته حسابداری است. هنوز باور به این موضوع در جامعه وجود ندارد و به شکل شعاری از ارتباط صنعت و دانشگاه و پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه صحبت به

میان می‌آید. در واقع خروجی پژوهش‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها به شدت ضعیف و کم کاربرد هستند و مسأله‌ای را شناسایی و حل نمی‌کنند و نمی‌توانند پیشران و پیش برنده صنعت باشند. یکی دیگر از الزامات دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم، استقلال مالی دانشگاه از بودجه دولتی است. به شکل کاملاً مشهودی در سطح کشور شاهد وابستگی مالی دانشگاه‌ها به دولت هستیم، نه تنها دانشگاه‌های دولتی بلکه دانشگاه‌های غیر دولتی و غیرانتفاعی نیز وابستگی تنگاتنگی به دولت دارند و این وابستگی خود مانع حرکت دانشگاه به سمت نسل سوم و چهارم است. استقلال مالی دانشگاه‌ها از دولت نیازمند توجه و حمایت بخش خصوصی از دانشگاه است و این مهم اتفاق نخواهد افتاد مگر اینکه جامعه و صنعت برای حل مشکلات خود دانشگاه را واسطه قرار دهند و با سرمایه‌گذاری صنایع در دانشگاه (ارجاع پروژه‌های کلان به دانشگاه و برون‌سپاری بخش تحقیق و توسعه واحدهای بزرگ صنعتی به دانشگاه و گروه آموزش حسابداری) صنعت، جامعه و دانشگاه از این ارتباط متقابل منتفع می‌گردند. از دیگر الزامات، می‌توان به مدیریت حرفه‌ای و تخصصی این دانشگاه‌ها اشاره نمود. مدیریتی که بدون توجه به روابط و مناسبات سیاسی و تنها بر مبنای شایسته‌سالاری انتخاب شده باشد. همچنین تعاملات با دانشگاه‌های برون مرزی، داشتن ارتباطات بین‌المللی قوی، تسلط کامل به زبان انگلیسی به عنوان زبان مراد بین‌المللی و چاپ پژوهش‌های حسابداری در مجلات معتبر خارجی می‌تواند نقش موثری را در ارتقای آموزش عالی حسابداری ایفا نماید. همچنین رسیدن به یک زبان و فهم مشترک بین جامعه و دانشگاه که شکل دهنده عرضه و تقاضای بین این دو نهاد است. بدین معنی که هم از طرف جامعه باید این مطالبه و نیاز وجود داشته باشد و هم دانشگاه بتواند خودش را خوب عرضه کند و این خود نیازمند فرهنگ‌سازی است و در واقع زمینه‌ای که این مطالبه دوطرفه را بین دانشگاه و محیط پیرامونش ایجاد می‌کند؛ یعنی جامعه از آموزش عالی حسابداری کارآفرینی و عامل توسعه بودن را مطالبه کرده و مسائلش را برای حل به دانشگاه واگذار کند و از طرف دیگر دانشگاه نیز از نگاه آکادمیک خود رها شده و به سمت حل این مشکلات حرکت می‌نماید.

از راهبردهای حرکت آموزش حسابداری به سمت کارآفرینی و توسعه، تغییر برنامه‌های آموزشی این رشته است به صورتی که دانشگاه‌ها بتوانند به اقتضای نیازهای منطقه‌ای که در آن واقع شده‌اند، برنامه‌های درسی‌شان را تدوین کنند. در وضع کنونی، برنامه‌های آموزشی این رشته به شدت ایستا هستند و به صورت محافظه‌کارانه‌ای تمایل به حفظ حالت قبلی را دارند. هرچند در سال‌های اخیر تلاش وزارت علوم در بازنگری برنامه‌های درسی بر رعایت اقتضانات روز بوده اما همچنان شاهد هستیم که سیر حرکت و بازنگری در برنامه‌ها بسیار عقب‌تر از سرعت

حرکت جامعه است. ازین‌رو تفویض اختیار و واگذاری مسوولیت به روز رسانی برنامه‌ها به خود دانشگاه‌ها به دلیل اینکه نیازها و اقتضائات منطقه‌ای متفاوت دارند می‌تواند یکی از ابزارهای مفید باشد. در به‌روز رسانی برنامه‌ها توسط خود دانشگاه، توجه به اسناد بالادستی خارج از فضای آموزش عالی مانند برنامه‌های توسعه کشور، که در آن‌ها چشم‌انداز و ماموریت خاصی برای هر منطقه جغرافیایی ذکر شده است، امری مهم خواهد بود؛ دراین راستا ماموریت‌گرا شدن دانشگاه‌ها اقدامی ضروری خواهد بود. از دیگر راهبردهای حرکت به سمت نسل سوم و چهارم دانشگاهی می‌توان به تحول در نظام کنترلی و حاکمیت دانشگاه^۱ اشاره نمود. بدین منظور ساختار، فرآیندها و برنامه‌های کنترلی و حاکمیتی دانشگاه در جهت کارکرد موثر دانشگاه و فرد برنامه‌ریزی و جهت‌دهی می‌شوند. روش‌های قدیمی کنترل که به صورت متمرکز و از سوی وزارتخانه بر دانشگاه اعمال می‌شد به مدل‌های نظارتی منعطف همراه با اعطای استقلال داخلی به دانشگاه و نیز گروه حسابداری در جهت مدیریت مستقل و پاسخگو اصلاح می‌گردد.

سایر مواردی که در آموزش حسابداری نسل‌های سوم و چهارم دانشگاهی باید به آن توجه شود، اساتید و کادر آموزشی هستند. هنگامی که برنامه درسی حسابداری مطابق با نیاز جامعه تعریف شود، به تبع استادان آن درس هم باید با برنامه‌ها و منابع درسی جدید به‌روز و هماهنگ باشند. اگر استادان فقط تئوری‌ها و آموزه‌های آکادمیکی که از قبل فرا گرفته‌اند را همچنان به دانشجویان عرضه کنند و نیاز روز جامعه را مد نظر نگیرند یا با برنامه‌های درسی بازنگری شده هماهنگ نباشند، خروجی و دانش آموخته حسابداری فاقد مهارت‌های لازم خواهد بود. اساتید و اعضای هیات علمی باید با جامعه، حرفه، منابع روز و نیز مجامع بین‌المللی در ارتباط مستمر باشند تا بتواند دانشجوی کارآفرین و متکی به خود را پرورش دهند. دانش آموخته‌ی رشته حسابداری در این نسل، فردی جامعه‌پذیر خواهد بود که با مسوولیت‌پذیری گراننده توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی و به طور کلی توسعه پایدار جامعه است.

یکی دیگر از مواردی که در این دو نسل باید به آن توجه شود دانشجویان هستند. ویژگی‌های یک دانشجوی حسابداری در دانشگاه نسل سوم و چهارم به واسطه آموزش‌های همه‌جانبه آن متفاوت از سایر نسل‌های پیشین است. دانش آموخته حسابداری دانشگاه مهارت‌آفرین و جامعه‌محور، فردی خلاق، آینده‌نگر با درجه بالایی از تعهد و مسوولیت‌پذیری است که می‌تواند به توسعه پایدار جامعه کمک نماید.

رسیدن به این مهم، نیازمند توجه ویژه گروه حسابداری نه تنها به آموزش‌های تخصصی این رشته بلکه مهارت‌افزایی دانشجویان از طریق اولویت قراردادن آموزش مهارت‌های نرم است. آموزش‌های فعلی این رشته با تاکید فراوان بر حفظیات، دانشجویان را منفعل بار می‌آورد. در صورتی که یکی از نیازمندی‌های مهارت‌آفرینی، عبور از محفوظات با استفاده از خلاقیت و نوآوری است. افراد کارآفرین با داشتن تفکر آینده‌نگر از درجه ریسک‌پذیری بالاتری برخوردار هستند و ازین رو باید از طریق آموزش‌های نرم، مهارت‌هایی از قبیل تفکر تحلیلی و حل مسئله، ایجاد تعامل و ارتباط موثر، فن مذاکره، کار تیمی، انعطاف‌پذیری، مفهوم‌نگری، توان دیدن و شناسایی فرصت‌ها، نسلی متکی به خود و کارآفرین در رشته حسابداری تربیت نمود.

خروجی و دستاورد پیاده‌سازی الگوی جامع آموزش حسابداری در دانشگاه نسل سوم و چهارم، به طور خاص برای بازنگری برنامه‌های آموزشی رشته حسابداری و نحوه تعامل دانشگاه و گروه حسابداری با صنعت و جامعه در جهت ایجاد کارآفرینی و همچنین به طور عام در جهت توسعه پایدار کشور، به رشد و توسعه تمامی سطوح خرد و کلان جامعه کمک خواهد کرد. در سطح خرد با تربیت نسل متکی بر خود و مهارت‌آفرین در رشته حسابداری می‌تواند به رشد و توسعه فردی کمک نماید. در سطح کلان نیز از طریق اثرگذاری بر صنایع، اقتصاد شکوفا گشته تاثیر مستقیمی بر رفاه اجتماعی خواهد گذاشت. از طرفی اجرای این مدل با تغییر باورها و نگرش افراد و خانواده‌ها می‌تواند منجر به ارتقای فرهنگی شود. همچنین با گسترش روابط عرصه بین‌المللی و تعامل با مجامع خارجی، روابط سیاسی و بین‌المللی کشور تقویت می‌گردد. بعلاوه دانشگاه نیز با ایجاد ارتباط تنگاتنگ با صنعت و جامعه می‌تواند از مزایایی مانند جذب سرمایه‌گذاری حداکثری منابع بخش خصوصی بهره‌مند شود. ازین رو می‌توانیم شاهد رشد و ارتقای دانشگاه و تبدیل واقعی علم به عمل باشیم.

در انتها، پیشنهاد می‌شود الگوی مفهومی پژوهش به عنوان مبنایی برای تدوین برنامه‌های آموزشی رشته حسابداری و نیز تغییر قوانین و مقررات آموزشی وزارت علوم قرار گیرد. همچنین به دست‌اندرکاران رشته حسابداری در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی توصیه می‌شود نسبت به ایجاد مراکز رشد و نیز فراهم سازی فرصت کارآموزی برای دانشجویان این رشته اهتمام ورزند. همچنین با توجه به اینکه پژوهش حاضر بر مبنای روش کیفی انجام شده است، به پژوهشگران آتی توصیه می‌شود با استفاده از روش‌های کمی به بررسی وضعیت موجود آموزش حسابداری در دانشگاه‌ها و نیز تحلیل شکاف با الگوی ارائه شده اقدام نمایند.

منابع

- باباجانی، جعفر؛ قربانی زاده، وجه...؛ خنکا، عبدالخالق. (۱۳۹۹). آینده پژوهی حسابداری مدیریت: از منظر آموزش و پژوهش. *فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۹(۳۵): ۷۷-۹۶.
- جامعی، رضا. (۱۳۹۷). بررسی تناسب محتوا و شیوه‌های آموزش حسابداری (کارشناسی ارشد) با مهارت‌های مورد نیاز بازار کار: از دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه و اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی تدریس پژوهی*، ۴(۳): ۲۱۸-۲۳۳.
- خوش نژاد، زهرا؛ سلیمی، مهتاب؛ جهانیان، رمضان و عبدالمهدی، مژگان. (۱۴۰۱). ارائه الگوی دانشگاه نسل چهارم (مورد مطالعه: دانشگاه آزاد اسلامی)، توسعه آموزش جندی شاپور اهواز، ۱۳(۱): ۱۹۳-۲۰۶.
- دهقان‌دهنوی، حسن؛ معین‌الدین، محمود؛ صبا، ندا. (۱۳۹۱). تعیین اجزای دانش و مهارت آموزش حسابداری در محیط‌های تجاری جدید با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری. *فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱(۴): ۱۰۵-۱۱۹.
- دیانتی دیلمی، زهرا؛ پاکزاد، عطیه. (۱۳۹۶). بررسی درجه اثربخش بودن آموزش حسابداری در دانشگاه‌ها و عوامل موثر بر آن با استفاده از کارت ارزیابی متوازن. *فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۶(۲۱): ۱۴۱-۱۲۱.
- دیانتی دیلمی، زهرا (۱۴۰۲). الگوی بالندگی حسابداری در ایران: با رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد، *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۲(۲): ۲۴۴-۲۱۷.
- صالحی، مهدی؛ نصیرزاده، فرزانه؛ رستمی، وهاب. (۱۳۹۳). چالش‌های آموزش حسابداری در ایران از دید شاغلین حرفه و مراجع دانشگاهی. *مجله دانش حسابرسی*، ۱۳(۵۴): ۸۶-۶۷.
- عزیزی، محمد و اکرم عزیزی (۱۳۹۵). نسل سوم دانشگاهی: تجربه‌های موفق دانشگاه‌های برتر در آموزش کارآفرینی با اتکاء به منابع صنعت، نشریه صنعت و دانشگاه، ۹(۱): ۱-۱۴.
- غلامی، زهرا؛ آراسته، حمیدرضا؛ نوه‌ابراهیم، عبدالرحیم؛ زین‌آبادی، حسن رضا. (۱۳۹۷). تأملی بر کارکرد آموزشی دانشگاه‌های نسل سوم در ایران: ارائه الگوی مفهومی. *نشریه راهبردهای آموزشی در علوم پزشکی*، ۱۱(۴): ۳۸-۳۰.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۸). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه برپایه (گراند تئوری GTM). چاپ هفتم، تهران: انتشارات آگاه.
- مجتهدزاده، ویدا. (۱۳۸۰). بررسی برنامه آموزش حسابداری در دانشگاه‌های ایران در مقطع کارشناسی: دیدگاه‌های شاغلین در حرفه حسابداری. *فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی*، دانشگاه الزهراء، ۱۱(۳۸-۳۷): ۳۳۱-۳۷۰.

- مشایخی، بیتا؛ شفیع‌پو، سید مجتبی. (۱۳۹۱). بررسی کارایی نظام آموزشی رشته حسابداری در سطح دانشگاه‌های ایران با استفاده از تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، *مجله دانشکده مدیریت دانشگاه تهران*، ۱۹(۶۷): ۱۴۲-۱۱۹.
- مهدی، رضا؛ شفیع، مسعود. (۱۳۹۶). نقش آفرینی و ظرفیت‌سازی دانشگاه‌های نسل چهارم برای توسعه محلی و منطقه‌ای. *فصلنامه صنعت و دانشگاه*، ۱۰(۳۵-۳۶): ۲۲-۱.
- نایب‌زاده، شهناز؛ حیرانی، فروغ؛ سلطانی‌نژاد، مهدی؛ نجاتی، مصطفی. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین متغیرهای پیش‌زمینه‌ای و عملکرد آموزشی دانشجویان (دانشجویان کارشناسی ارشد رشته حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد). *فصلنامه آموزش عالی*، ۵(۱۷): ۱۸۱-۱۶۵.
- نوروزی، علیرضا؛ ترکمان، طاهره؛ زاهدی، شیرین. (۱۳۹۷). دانشگاه کارآفرین: مفاهیم و شاخص‌ها (چاپ اول). تهران: نشر چاپار.
- نونهال نهر، علی‌اکبر؛ محمدزاده سالطه، حیدر؛ حمداله‌هی، کبری. (۱۳۹۳). ارزیابی تأثیر آموزش حسابداری (آموزش دانشگاهی و دوره‌های ضمن خدمت) و تجربه بر قضاوت‌های حرفه‌ای حسابرسان. *فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۴(۱۳): ۱۹۶-۱۹۱.

References

- Abdulaziz Y. S. Mosbah, Christopher J; Cowton, Julie E; Drake & Wilma W. Teviotdale (2022): Preparing students for the workplace in developing countries: a study of accounting education in Libya, *Accounting Education*, DOI: 10.1080/09639284.2022.2032220.
- Azizi, Mohammad & Akram Azizi. (2017). Third Generation Universities: Top universities successful experiences on Entrepreneurship Education by Industry Sources, 9(1), 1-14 (In Persian).
- Babajani, J; Ghorbanizadeh, V; & Khanka, A. (2020). The future of management accounting research: from the perspective of education and research. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 9 (35): 96-77. (In Persian).
- Bicknell, A; Francis-Smythe, J; & Arthur, J. (2010). Knowledge transfer: de-constructing the entrepreneurial academic. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 16(6), 485-501.
- Cernuşca, L. (2020). Soft and Hard Skills in Accounting Field-Empiric Results and Implication for the Accountancy Profession. *Studia Universitatis Vasile Goldis" Arad-Economics Series*, 30(1), 33-56.
- Dehghan Dehvani, Hassan; Moinuddin, M; & Saba, N. (2012). Determining the components of knowledge and skills of accounting training in new business environments with a structural equation modeling approach. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 1 (4): 119-105. (In Persian)
- Dianati Deilami, Zahra(2023). A Model for Evolution of accounting in Iran: Based on Grounded Theory, *Accounting Knowledge & Management Auditing*, 12(2), 217-244 (In Persian).

- Dianati Deilami, Z; & Pakzad, A (2017). Assessing the degree of effectiveness of accounting training in universities and the factors affecting it using a balanced assessment card. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 6 (21): 141-121. (In Persian)
- Dickson, P. H; Solomon, G. T; Weaver, K. M; Dickson, P. H; & Solomon, G. T. (2008). Entrepreneurial selection and success: does education matter? *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 15(2), 239-258.
- Farastkhah, M. (1398). Qualitative research method in social sciences with emphasis on theory (grounded theory (GTM theory)). Seventh Edition, Tehran: *Agah Publishing*. (In Persian)
- Gholami, Z; Arasteh, H; & Nave Ibrahim, A; & Zeinaabadi, H. R. (1397). A Reflection on the Educational Function of Third Generation Universities in Iran: Presenting a Conceptual Model. *Journal of Educational Strategies in Medical Sciences*, 11 (4): 38-30. (In Persian)
- Gittings, L; Taplin, R; & Kerr, R. (2020). Experiential learning activities in university accounting education : A systematic literature review. *Journal of Accounting Education*, 52, 100680.
- Helmayunita, N; Serly, V; Honesty, H. N; Betavia, A. E; Handayani, D. F; Septiari, D; ... Honesty, F. F. (2019). The Effect of Accounting Computer Training for Teachers of Accounting Vocational Schools to Improving Teacher Competency. *4th International Conference on Education, Economics, Business and Accounting*, 124, 543-548.
- Jamei, Reza. (2018). investigating the appropriateness of content and methods of accounting training with the skills required by the labor market: from the perspective of students, university professors and members of the Iranian Society of Certified Public Accountants. *Journal of Teaching Research*, 4 (3): 233-218. (In Persian)
- Kavanagh, M. H; Drennan, L; Ameen, Elsie, Bruns, Sharon, M; Cynthia. (2008). What skills and attributes does an accounting graduate need? Evidence from student perceptions and employer expectations. *Accounting & Finance*, 48(2), 279-300.
- Khoshnejad, Zahra; Salimi, Mahtab; Ramezan & Abdollahi, Mojgan. (2022). Presenting the Fourth Generation University Model (Case Study: Islamic Azad University), *Educational Development of Judishapur*, 13(1), 193-206 (In Persian).
- Li, Y; & Ma, L. (2019). Analysis on the Construction of Accounting Practice Teaching System for Training Applied Accounting Talents in Colleges and Universities Based on the Innovation of Industry-University-Research Cooperative Education. *5th International Conference on Education Technology, Management and Humacities Science (ETMHS 2019)*, 17-22.
- Mahdi, R; & Shafiee, M. (2017). Mapping and capacity building of fourth generation universities for local and regional development. *Journal of Industry and University*, 10 (35-36): 22-1. (In Persian).
- Mashayekhi, B; & Shafi'pour, M. (2012). Investigating the efficiency of the accounting education system at the level of Iranian universities using data envelopment analysis technique. *Accounting and Auditing Reviews Journal of*

- the Faculty of Management*, University of Tehran, 19 (67): 142-119. (In Persian).
- Mujtahedzadeh, V. (2000). Review of accounting training program in Iranian universities at the undergraduate level: Perspectives of employees in the accounting profession. *Journal of Humanities Al-Zahra University*, 11 (37-38): 370-331. (In Persian).
- Musov, M. (2019). Accounting Education in a Sustainable Development Context. In *15th International Conference of ASECU* (pp. 469–477).
- Nayebzadeh, S; Heirani, F; Soltaninejad, M; & Nejati, M. (2012). Investigating the Relationship between Background Variables and Students' Educational Performance (Case Study: Master of Accounting Students, Islamic Azad University, Yazd Branch). *Journal of Higher Education*, 5 (17): 181-165. (In Persian).
- Nonhal Nahr, A; Mohammadzadeh S. H; & Hamdollahi, K. (2014). Evaluating the effect of accounting training (university education and in-service courses) and experience on auditors' professional judgments. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 4 (13): 196-191. (In Persian).
- Norouzi, A; Turkman, T; & Zahedi, S. (2018). *Entrepreneur University: Concepts and Indicators* (First Edition). Tehran: *Chapar Publishing*. (In Persian).
- O'Connell, B; Carnegie, G. D; Carter, A. J; de Lange, P; Hancock, P; Helliari, C. V, ... Watty, K. (2015). Shaping the future of accounting in business education in Australia. *Melbourne, Australia: CPA*, 1–121.
- Parvaiz, G. S; Mufti, O; & Gul, S. (2017). Problems and Challenges in Skills Development: A Perspective from Professional Accounting Education. *Business & Economic Review*, 9(4), 83–110. <https://doi.org/10.22547/ber/9.4.5>
- Salehi, M; Nasirzadeh, F; & Rostami, W. (2014). Challenges of accounting training in Iran from the perspective of professionals and academic authorities. *Journal of Auditing Knowledge*, 13 (54): 86-67. (In Persian).
- Taryn, M; & Gizelle, D; W. (2023): Preparing accounting students to be responsible leaders, *Accounting Education*, DOI:10.1080/09639284.2023.2228291.
- Zuti, B; Lukovics, M; & Kopper, J. (2015). „Fourth Generation” Universities and Regional Development. In *Higher Education Institutions and Regional Development* (pp. 14–31). Stünings Medien.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.